

بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح / ۱۳۴۲/۰۹/۲۶

درس در حوزه‌های علمیه یک عبادت محسوب می‌شود. تربیت طلبگی از اول این است، درس یک عمل عبادی است. لازم‌هاش این است که این کار مقدس به حساب بیاید. اساتیدی که قبل از درس وضو می‌گیرند تا با وضو بروند سر درس و طلابی که پیش از رفتن به جلسه‌ی درس وضو می‌گیرند تا با وضو در درس حاضر بشوند، در حوزه‌ها کم نیستند. این یکی از چیزهای معمولی و رائج است که وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی که در حوزه‌ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچکس از کسی نمی‌پرسید که شما چقدر درس خواندید و بیا ببینم چی خواندید. درس را در همان روزها هم طلبه‌ی حوزه با شوق و رغبت و به صورت خستگی‌ناپذیر و با فراموش کردن بسیاری از جلوه‌های زندگی دنبال می‌کرد هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی معنوی و اخروی و الهی نمی‌تواند یک طالب علم را آن وقتی که از او نمی‌پرسند آقا شما چی خواندید و پیش کی خواندی؟ اینجور وادار به درس خواندن نمی‌کند. ما متأسفانه یک تحلیل درست و حسابی از زندگی طلبگی نداریم.

بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح / ۱۳۴۲/۰۹/۲۶

عبادت دانستن درس و به عنوان یک کار عبادی یک وظیفه‌ی شرعی و الهی درس خواندن این یک چیز فوق‌العاده مهمی در حوزه‌های علمیه هنوز هم هست. هنوز هم شما ببینید آن جوانی که با می‌شود می‌رود طلبه می‌شود، از دانشگاه می‌رود، از دبیرستان می‌رود، از روستا می‌رود، از شهر می‌رود. می‌رود طلبه می‌شوند. وقتی که شما بروید از او بپرسید چرا طلبه شدی؟ می‌خواهی چکار کنی؟ می‌بینی که این، یک هدف معنوی این را کشانده آورده، البته استتفا دارد. مواردی ممکن است کسانی استتفا باشند، انگیزه‌های دیگر داشته باشند اما روال این است، رنگ عمومی این است. به دنبال یک هدف معنوی آمده. می‌گوید آمدم اسلام را بفهمم، اسلام را تحقیق کنم. آمدم راهنمایی کنم مردم را یاد بگیرم راهنمایی کنم مردم را. اصلاً از اول انگیزه این است. در حالی که در دانشگاه قبلی ما و فرهنگ دانشگاهی ما این نبود. اگر از یک دانشجو می‌پرسیدند آقا شما چرا آمدی دانشجو بشوید؟ می‌گفت، آمدم تا یک شغل خوب پیدا کنم، آمدم بشوم مثلاً پزشک، بشوم مهندس، بشوم نمی‌دانم چه، و هیچ ابائی نبود از این که بگوید که آدم تا یک مثلاً درآمد خوبی در آینده داشته باشم، زندگی‌ام را می‌خواهم خوب تامین بکنم. در عرف حوزه‌ی علمیه این عیب است، اگر از یک طلبه‌ای بپرسند آقا شما برای چی آمدی؟ اگر در دلش هم تامین زندگی آینده باشد، جرات نمی‌کند به زبان بیاورد، این یک عیب محسوب می‌شود که ا یک نفر بیاید طلبه بشود برای این که زندگی‌اش را تامین بکند! این یک ارزش منفی است، یک نقطه‌ی منفی و سیاه است. ببینید همین خلق، همین روحیه، اگر بیاید توی دانشگاه، اگر ما بتوانیم همین یک قدم را برداریم؛ کانال بزیم بین حوزه و دانشگاه روحیه‌ی درس را، عبادت دانستن و به عنوان وظیفه‌ی الهی انجام دادن، این را ما منتقلش کنیم به دانشگاه که البته این انتقال کار آسانی هم نیست. اما ببینید چه قیامت عظیمی برپا خواهد شد.

بیانات در مراسم بیعت طلاب و روحانیون / ۱۳۴۸/۰۲/۰۲

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت - که بنده هم طلبه‌ی در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستم - این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکرًا و مشیاً و زیبا وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۴۸/۰۵/۱۱

امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سو استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تاکید و توجه قرار بگیرد

بیانات در مراسم عمامه‌گذاری جمعی از طلاب / ۱۳۴۸/۱۰/۲۶

هر چند که ورود در رشته‌ی تحصیل علوم دینی و طلبه شدن، یک مرحله‌ی سرنوشت‌ساز و مهمی محسوب می‌شود و طلبه‌ی با عمامه و بی‌عمامه، هر دو گونه‌اش را داریم؛ لیکن نفس تلبیس به لباس روحانیت و اهل علم دینی و گذاشتن عمامه هم خودش مرحله‌ی است و بسیار حایز اهمیت می‌باشد. تا شما عمامه سرتان نیست، مردم یک‌طور از شما توقع دارند؛ اما وقتی عمامه بر سر گذاشتید، این توقع طور دیگری خواهد شد. این لباس، هزار سال است که لباس علم می‌باشد. نمی‌گوییم که فقط علما این لباس را داشتند؛ نه، هزار سال است که زی اهل علم در روحانیت شیعه، از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا حالا، محور و مرکز امید مردم برای امور بوده است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۴۹/۰۳/۱۰

در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی روسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتی حکومت‌هایی هم که داعیه‌ی توده‌پی داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان تا پایان عمر در زی طلبگی زندگی کرد و مسوولان کشور بدون استتفا، دامان خود را از طرز زندگی‌های رایج مسوولان در سایر کشورها پاکیزه نگاهداشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسوولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه جای دنیا میان مردم و مسوولان هست، مشاهده نکردند.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۴۹/۱۲/۲۳

اگر خدای نکرده بر اثر بی‌توجهیها، غفلتها، وقت‌شناسیها، وظیفه‌نشناسیها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره‌ی هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبهایی که بر اثر گذشت قرن‌ها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاصها به‌وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن‌چنان ذخیره‌ی را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین باید ما معلمان و متزیین به زی علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمدالله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره‌ی روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان / ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

خداوند ان‌شاءالله توفیق انجام وظیفه و اهدا به وظیفه به ما عنایت کند؛ ما را هرگز از این زی مقدس روحانی جدا نکند؛ ما را در راه خدمت به دین و خدمت به این رشته‌ی مقدس و افتخارآمیز، زنده بدارد و در همین راه هم بمیراند.

بیانات در دیدار روحانیون تیب مستقل ۸۲ امام جعفر صادق(ع) / ۱۳۷۰/۰۹/۱۱

رعایت ظواهر نظامی، خیلی مهم است. بدون شک، در امر نظامی، ظواهر عنوان بواطن است. یعنی اگر آن شخص نظامی که جلوی شما می‌آید، چنانچه دیدید یقه‌اش باز است، یا دکمه‌اش افتاده، بدانید که او قطعا در میدان جنگ کم خواهد آورد. نه این‌که اگر یقه‌اش بسته بود و دکمه‌اش نیفتاده بود، کار را تمام خواهد کرد؛ نه، این جزو موضوع است؛ تمام موضوع نیست. یعنی اگر همه چیزش تکمیل باشد، اما مثلا وقتی پیش شما می‌آید، ببینید بند پوتینش باز یا شل است، یقین کنید که او در میدان جنگ، آن کاری که شما می‌خواهید، نخواهد کرد. باید کارش شسته، رفته، مرتب، منظم و پروپیمان - در همان زویی که از او متوقع است - باشد. البته ممکن است از طلبه‌ی نظامی زی خاصی متوقع باشد؛ آن زی را مشخص کنید، تا همان زی را داشته باشد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۴/۱۰/۲۷

مبلغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. این‌که مشاهده می‌کنید در هر کاری که علمای دین پیشگام باشند، مردم پاسخ مثبت می‌دهند و اجابت می‌کنند و جمع می‌شوند و عمل می‌کنند - چه جبهه باشد، چه امر سیاست و چه خود انقلاب - به خاطر این است که این لباس و شغل و زی، به خاطر عمل اخیار و نیکنانی که قبل از ما بوده‌اند، توانسته است ایمان مردم را به خود متوجه و جلب کند. این، اخلاص علمای گذشته و بزرگان ماست و سرمایه‌ی ارزشمندی محسوب می‌شود. باید این را حفظ کنیم. وقتی علمای دین، چنین ایمان و اخلاصی را از خود نشان می‌دهند و عملا برای مردم ثابت می‌کنند، کار هدایت آنها را آسان می‌سازند.

بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

دوم، حفظ زی طلبگی است. زی طلبگی چیست؟ من زی طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: پارسایی با عزت، و نظم در تحصیل و زندگی. طلبه، پارساگونه زندگی می‌کند. البته من از اوضاع مادی حوزه‌ی علمیه، حقیقتا آشفته و ناراحتم. از مشکلاتی که بسیاری از طلاب و فضلا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند - مشکلات مادی - مطلعم. گاهی اوقات بعضی از این اطلاعات برای من بسیار تلخ و گزنده است. البته آن مقوله‌ی دیگری است که واقعا باید برایش فکری کرد. امروز حقیقتا طلاب علوم دینی از همه‌ی طبقات جامعه - حتی از کارمند و از کارگر و از دیگران - از لحاظ حظ معیشتی پایین‌ترند - این یک واقعیت است - در حالی که یکی از بزرگترین و شریفترین کارها را اینها انجام می‌دهند. از ظواهر هم چندان چیزی نمی‌شود فهمید. همان عزت نفس و مناعتی که طلاب علوم دینی از گذشته با آن سرفراز بوده‌اند، نمی‌گذارد آدمهای سطحی و ظاهرین، بسیاری از بواطن امر را ببینند و بشناسند. من نمی‌خواهم آن مقوله را با این مقوله مخلوط کنم. آبی که حالا عرض می‌کنم، این است که طلاب - چه آنهايي که برخوردارند، چه آنهايي که دچار سختی‌هایی هستند - باید زی طلبگی‌شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزت نفس؛ این یک، دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن نظم در زندگی؛ که خصوصیت طلبگی نظم است.

بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی / ۱۳۸۲/۱۰/۲۳

حضور مجموعه‌ی به نام عقیدتی، سیاسی در نیروهای مسلح، یکی از الهامات الهی و از برکات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه‌ی دست‌اندرکار امور کشور بود. نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیری معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند - همچنان‌که به طبیب احتیاج دارند - و اگر روحانی در هر نقطه‌ی به وظایف خود عمل کند، آن‌جا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد. گاهی وجود ما عمده‌ی بی‌ایها در جاهایی بی‌اثر می‌شود، یا احيانا خدای ناکرده اثرهای منفی بر جای می‌گذارد؛ این به خاطر این است که ما در آن مورد با وظایف و هویت و منش یک روحانی ظاهر نشده‌ایم. در طول سالهای متمادی عمر روحانیت شیعه، هر جا روحانیون با منش و هویت روحانی خود ظاهر شده‌اند، برکاتی بر جای گذاشته‌اند؛ چه در میدان سیاست، چه در میدان معنویت، چه در میدان‌های مربوط به رزم و دفاع از کشور و امنیت، و چه در هر میدان دیگری. شان روحانی این است. نمی‌خواهم ادعا کنم که حضور روحانیون در نیروهای مسلح در سالهای بعد از انقلاب صدرصد همان‌طوری بوده است که از ماها انتظار می‌رفته؛ اما می‌خواهم این را عرض کنم که در مجموعه‌ی بزرگ نیروهای مسلح، هر جا علما، روحانیون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانی حضور داشته‌اند، تاثیرات بسیار گرانبهائی بر جای گذاشته‌اند.

بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی / ۱۳۸۲/۱۰/۲۳

منش روحانی نباید فرماندهی باشد؛ هر چند تشریفات فرماندهی اصلا مردمی محض است. شما فرض کنید در فلان محله‌ی تهران یا هر شهر دیگری پیشنهاد یک مسجد هستید. پیشنهاد یک مسجد چگونه رفتار می‌کند؟ با امر و نهی و پسر و پیشرو رفتار می‌کند؟ اگر بکنند، مردم به نمازش نمی‌آیند. همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به پیشنهادها مردمی است؛ با مردم گرم می‌گیرند؛ با مردم خوش اخلاقی می‌کنند؛ بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند؛ بدخلقی نشان نمی‌دهند. جواب مساله‌شان را می‌دهند؛ یک وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهند. گفت: چو و نمی‌کنی گرهی خود گره مباح
ابرو گشاده باش چو دست گشاده نیست

به عنوان آخوندی، دست ما گشاده نیست؛ اما ابرویمان که می‌تواند گشاده باشد. بنده خودم سالها پیشنهاد می‌دهم؛ می‌دانم انسان چگونه باید با مردم رفتار کند. وقتی نماز تمام می‌شود، برمی‌گشتم رو به مردم می‌نشستم. تسبیحات حضرت زهرا را هم که می‌گفتم، افراد می‌آمدند و می‌دیدند راه باز است. جوان می‌آمد، مزلف می‌آمد، بازاری می‌آمد، ریش‌دار می‌آمد، بی‌ریش می‌آمد. آن زمان، پوشیدن پوستین‌های وارونه در میان جوانهای بیتل مد شده بود. یک روز رفته نماز، دیدم یکی از همین جوانهای آلامد که موهایش را روغن زده، آمده و صف اول کنار متدینین و بازاری‌های خوب و افراد محاسن سفید نشسته. احساس کردم این جوان با من حرفی دارد. نشستم و به او پاسخ نگاه دادم؛ یعنی اجازه دادم بیاید حرفش را بزند. جلو آمد و گفت آقا! من صف اول بنشینم، اشکال دارد؟ گفتم نه، چه اشکالی دارد؟ شما هم مثل بقیه. گفت: این آقایان می‌گویند اشکال دارد. گفتم: این آقایان بیخود می‌گویند! این جوان، دیگر از این مسجد پا نمی‌کشد. این جوان، دیگر از این پیشنهاد دل نمی‌کند. همین‌طور هم بود؛ از ما دل نمی‌کنند. بنده وقتی مسجد می‌رفتم، در میان صد نفر، اقلا نود نفرش جوانها بودند. بنده هیچ چیز خاصی نداشتم؛ نه یک مایه‌ی آن‌چنانی معنوی، نه یک مایه‌ی دنیوی؛ اما با مردم بودم.

بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شانمان و شغلیمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالبا از آن غفلت می‌شود - هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره‌ی ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاد (سلام‌الله‌علیه) در یکی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی ثانیه‌ی سجاده‌ی از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «و لبنا راجعا»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی طلبگی است. نمی‌گوییم عیاب پاره به دوشمان بیندازیم؛ معنای زی طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبیان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخوایم، من قبلها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بیوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شان پولدارها و پول‌پرست‌هاست. ما هم فلان چیز را هوس می‌کنیم، اما

حالا پول نداریم، به مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می‌رویم آن را تهیه می‌کنیم؛ منتظریم که از این صد جز اشرافیگری، وقتی این یک جزئیش فراهم شد، نود و نه جز دیگر را هم در فرصتهای دیگر همین‌طور بتدریج فراهم کنیم. این شان طلبگی نیست. شان طلبگی این است که انسان یک ری متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.

بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها / ۱۳۸۹/۰۴/۳۰

یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمومنین فرمود: «طیب دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه». نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه روحانی و مجموعه آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد مردم است - باید از دست ندهیم.

البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و اینها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لیخنده بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا میکردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدرا، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمیرود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهانی وجود دارد، برای آنها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مانوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.

بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها / ۱۳۸۹/۰۴/۳۰

یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمومنین فرمود: «طیب دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (۱) نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه روحانی و مجموعه آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد مردم است - باید از دست ندهیم. البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و اینها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لیخنده بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا میکردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدرا، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمیرود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهانی وجود دارد، برای آنها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مانوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.

دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

رهبر انقلاب اسلامی، فساد را در بسیاری از موارد ناشی از روحیه زیاده‌طلبی و اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی دانستند و خاطرنشان کردند: اینکه امام بزرگوار بارها بر حفظ ری طلبگی و داشتن زندگی ساده و معمولی مسئولان تاکید داشتند، به همین علت بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: مسئولان در نظام اسلامی نمی‌توانند این تصور را داشته باشند که چون مسئولان در کشورهای دیگر از امکانات گوناگون برخوردارند، پس در نظام اسلامی نیز چنین مواردی مباح است.

